

Original Article

Individual Citizenship Rights in Islamic Republic of Iran Focusing on Jurisprudential Approach of Imam Khomeini

Iraj Afshar Ahmadi¹, Mohammad Rohani Moqaddam^{2*}, Maryam Aqai Bejestani³

1. Ph.D. student in Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2. Assistant Professor Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran. (Corresponding Author) Email: maqaib@gmail.com

3. Assistant Professor Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

Received: 22 Apr 2018 Accepted: 11 Sep 2018

Abstract

In Holy Quran it has been frequently stipulated that God has created the bounties in the world for mankind and there is a kind of relationship between the created bountie and him. The Creator of the universe and the Lord of all affairs has codified the laws governing the individuals and human societies and obligated man to observe the divine rules and regulations. The rights of every human individual as a citizen have been observed by the Holy Prophet (peace be upon him) in his relations with them. Islamic sources particularly those of Shia origin have addressed various aspects of individual citizenship rights in Islamic government in direct and indirect ways. Imam Khomeini was a seasoned expert in Islamic studies and his various political and social ideas were basically grounded in his interpretation of the Islamic resources. He revealed various perspectives concerning the strategic patterns of Islamic Republic of Iran as well as the necessity of better and further explanation of the Islamic and Shia sources. The first human right is the right to selfhood and knowledge of one's true place as the noblest creature on the planet that is assayed by the current essay in the light of the verses of Holy Quran, words of divine saints and the knowledge of the property rights of individuals. Then, to this end, the present study using a library based research method, documented studies deals with the individual citizenship rights in Islamic Republic of Iran based on the words of Imam Khomeini.

Keywords: Individual Rights; Citizenship; Imam Khomeini; Jurisprudence; Islamic Government

Please cite this article as: Afshar Ahmadi I, Rohani Moqaddam M, Aqai Bejestani M. Individual Citizenship Rights in Islamic Republic of Iran Focusing on Jurisprudential Approach of Imam Khomeini. *Bioethics Journal*, Special Issue on Citizenship Rights, Autumn 2018; 17-28.

حقوق فردی شهروندی در جمهوری اسلامی ایران با رویکرد فقهی امام خمینی (ره)

ایرج افشار احمدی^۱، محمد روحانی مقدم^{۲*}، مریم آقایی بجزستانی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: maqaib@gmail.com

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۰

چکیده

در قرآن کریم مکرراً تصریح شده که خداوند متعال مواهب عالم را برای انسان آفریده، لذا بین او و مواهب آفرینش نوعی ارتباط وجود دارد. خالق جهان هستی و مدبر امور، قوانین حاکم بر افراد و جوامع انسانی را وضع کرد و انسان را مکلف به اطاعت از دستورات و قوانین قرار داد. در سیره پیامبر اکرم (ص) و نوع تعامل ایشان با افراد جامعه نیز حقوق هر فرد به عنوان شهروند، همواره در دستور کار بوده است. منابع اسلامی به ویژه تشیع، جنبه‌های مختلف حقوق فردی شهروندی در حکومت اسلامی را به طور مستقیم و غیر مستقیم مورد بررسی قرار داده است. امام خمینی (ره) اسلام‌شناسی خبره بود و اساساً دیدگاه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی ایشان مبتنی بر برداشت و تفسیر ایشان از منابع اسلامی بود. ایشان دیدگاه‌های مختلفی را در زمینه الگوهای راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، ضرورت تبیین هرچه بیشتر و بهتر منابع اسلامی و شیعی نمایان ساخت. اولین حق انسان، حق نفس و شناخت جایگاه حقیقی خویش به عنوان اشرف مخلوقات است که با توجه به آیات قرآن کریم و سخنان ائمه اطهار (ع)، شناخت حقوق اموال و افراد در جامعه مورد عنایت این مقاله می‌باشد، لذا در این راستا، پژوهش حاضر با استفاده از روش‌های تحقیقی کتابخانه‌ای، میدانی و مطالعه اسنادی، حقوق شهروندی فردی را در حکومت اسلامی ایران با استناد به بیانات امام خمینی (ره) مورد تحقیق و پژوهش قرار داده است.

واژگان کلیدی: حقوق فردی؛ شهروندی؛ امام خمینی؛ فقه؛ حکومت اسلامی

مقدمه

وجود افراد تا حدی در خانواده شکل می‌گیرد و رفاه خانواده برای رفاه هر عضو آن ضروری است. همانطور فردیت او در حکومت ساخته می‌شود و رفاه و شادی افراد در جامعه، برای رفاه و رونق حکومت امری لازم و ضروری است. رابطه حکومت و مردم، رابطه‌ای است که به حفظ حقوق افراد و جامعه کمک می‌کند و یکدیگر را می‌سازند. در واقع وجود حکومت برای رشد و تحول فردیت ضروری است. در سطح بین‌الملل یک حکومت در ارتباط با حکومت‌های دیگر فرد محسوب شده و درون این حکومت خود مختار، افراد به عنوان شهروند شکل می‌گیرند، لذا برای تحقق شهروندی او، جامعه او باید توسط سایر حکومت‌ها به عنوان حکومتی خود مختار به رسمیت شناخته شود، و الا شهروندی فرد زیر سؤال می‌رود. استعمار یکی از موانع مهم بر سر راه خودمختاری یک دولت است. بنابراین به رسمیت شناخته‌نشدن دولت‌های حاکم توسط یکدیگر به طور ضمنی فردیت شهروندان آن دولت‌ها را تهدید می‌کند. ارزش‌های دینی مردم یکی از زیرمجموعه‌های تشکیل دهنده فردیت آن‌هاست و تأثیر مستقیم در نوع حکومت دارد و به عنوان راهنمایی برای هدایت و سازماندهی روابط مردم با یکدیگر و با حکومت و بالعکس، کارایی دارد (۱).

بنابراین حقوق شهروندی، حقوقی فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که یک شهروند به واسطه زندگی در قلمرو جغرافیایی خاص و با وجود رابطه‌ای میان او و دولت حاکم از آن برخوردار شود (۲) و شهروند تحت‌الحمايه حکومت بوده و قوانین و مقررات آن را به رسمیت بشناسد. افراد جامعه با برخورداری از حقوق و پذیرش تکالیف در قبال حکومت، انتظارات متقابلی را از دولت برای احقاق حقوق خود به ویژه در بعد خدمات دارند (۳).

حقوق و تکالیف میان مردم و جامعه هم دامنه و قلمرو فراگیر و جهانی دارد و هم محدود به جغرافیای زیستی و طبیعی با حکومت و حاکمیت مشخص و ملی است که از آن به حقوق شهروندی یاد می‌شود. حقوق شهروندی، مجموعه‌ای از حقوق و مسؤولیت‌های دوسویه آدمیان در جامعه به منظور بهره‌مندی عادلانه همگان از منابع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی

می‌باشد. اثبات یا نفی کلی این حقوق و بیان چارچوب‌ها و محدودیت‌های کلی و اساسی آن، مبانی مختلفی دارد. ممکن است در یک مبنا، مردم بدون داشتن هیچ حقی، فقط مطیع بی‌چون و چرای حکومت باشند که این امری ظالمانه است و در مقابل مبنایی دیگر مردم را صاحب حق بدانند. حقوق مردم به طور کلی در نظام هستی، باید از سوی آفریننده و خالق این نظام تعیین شود و معلوم گردد که از دیدگاه اسلام در نظام حکومتی، همه شهروندان و اعضای دولت - کشور از مذاهب و ادیان مختلف دارای حقوقی برابر هستند یا نه، لذا حقوق باید کلی بیان شود و محدودیت‌های اساسی مشخص گردد. انسان با منزلت والای خود، در کتب آسمانی به عنوان اشرف مخلوقات مورد خطاب قرار گرفته و حکما و فلاسفه، در مقام هستی‌شناسی از آن با احترام ویژه یاد نموده‌اند، در طول تاریخ، میدان رویارویی‌های رقابت‌آمیز بشری همواره دستخوش هدم و هتک بوده و حیثیت ذاتیش پایمال شده است. از این رو شگفت‌انگیز است که انسان پس از سپری کردن گونه‌های مختلف زندگی اجتماعی در جستجوی حق عزلت و تنهایی خویش در جمع است. این اعمال در بعضی مواقع از راه مبارزه و قیام و اعتراض علیه صاحبان زر و زور واقع می‌شد و در بعضی مواقع دیگر اندیشمندان و تلاشگران در فکر و اندیشه بودند و برای به دست آوردن حقوق انسان‌ها قلم می‌زدند و ابراز عقاید می‌کردند. از همان روزگاری که مبارزان راه آزادی به تلاش و کوشش مشغول بودند تا عصر کنونی، جهان هنوز نتوانسته دوره بی‌ظلم و تعدی را به چشم ببیند و این ناملايمات و گرفتاری‌ها و نابرابری‌ها وجود داشته و هیچ کس را یارای آن نبوده تا با ایجاد محیط و فضای پر از عدل و داد، فرشته عدالت را به پرواز شادی فراخواند. با اعتراض‌هایی که جهت برپاداشتن حقوق و آزادی‌ها انجام گرفت و اندیشمندانی که در خصوص حقوق اولیه و فطری انسان نوشتند و حمایت‌ها کردند، کم‌کم اندیشه حمایت از حقوق و پاس داشتن حقوق شهروندان به صورت جدی مورد توجه قرار گرفت. اصول حقوق فردی اجتماعی شهروندی در ایران برگرفته از اصول قانون اساسی و فقه اسلامی می‌باشد. اسلام به اقتضای جامعیت خود از راه فقه پاسخگوی نیازهای بشر در همه ابعاد زندگی است و

ریشه رومی دارد، در فارسی به شهروند تبعه، همشهری، هم‌وطن، شامند، شهرتاش و انسان عضو اجتماع ترجمه شده است» (۵).

حقوق شهروندی ترکیبی از دو کلمه حقوق و شهروندی است و حقوقی برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی می‌باشد، همانند حقوق سیاسی، حق استخدام عمومی، حق انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن، حق گواهی‌دادن در مراجع رسمی، حق داور و مصداق واقع‌شدن (۶).

در نظام جمهوری اسلامی ایران، به جهت حفظ حقوق و آزادی‌های افراد، به درج حقوق افراد در قانون اسلامی پرداخته شده و فصل سوم قانون اساسی عنوان حقوق ملت را به خود می‌گیرد تا با ایجاد ضمانت‌های الزام در قوانین موضوعه در جهت حفظ حقوق و آزادی‌های فردی گام بردارد. بر پایه ماده دو اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۲۶ اوت ۱۷۸۹ م.)، «هدف هر اجتماع سیاسی حفظ حق‌های طبیعی و تغییرناپذیر بشر است.» این حقوق ذاتی (Internal Rights)، جهان‌شمول (Universal)، سلب‌نشدنی (Inalienable) و خارج از شمول مرور زمان هستند (Imprescriptible). جهان‌شمولی به معنی فرافرهنگی، ذاتی به معنی مرتبط با کرامت انسانی و سلب‌نشدنی به معنی ریشه‌نداشتن در قانونگذاری و اراده حکومت است. امروزه این باور مطرح است که افراد به منزله شهروند حق‌ها و آزادی‌هایی دارند که دولت‌ها و جامعه بین‌المللی مکلفند از آن‌ها حمایت کنند و برخی از اندیشمندان مانند هانتینگتون بدین نتیجه رسیده‌اند که بنیان‌نهادن اداره جهانی بر پایه حقوق بشر همگانی امکان‌پذیر نبوده و امنیت جهان مستلزم پذیرش چند فرهنگی است. جانشین مناسبی که می‌تواند موجب ایجاد رابطه مسالمت‌آمیز میان حاکمیت دولت‌ها و حقوق بشر جهان‌شمول شود. نگرشی فراگیر به شهروندی، نگرشی جهانی، غیر منفعلانه چند لایه است که موجب گسترش مفهوم شهروندی به خارج از جامعه‌های محلی شده و متقابلاً تعهد در برابر سایر جامعه‌ها را نیز دربر می‌گیرد (۷).

۲- حقوق شهروندی از دیدگاه اسلام

از آنجا که تمام حقوق به حیات انسان تعلق دارد، اولین حق شهروندی دارای اهمیت و مطرح در اسلام، حق حیات

به همه عرصه‌های حیات زندگی آدمی اعم از دنیایی و آخرتی و حیات اجتماعی و اقتصادی و... او توجه کرده است. اولین حق انسان، حق نفس و شناخت جایگاه حقیقی خویش و وظایف خود به عنوان بالاترین مخلوق است و پس از آن حقوق اموال و افراد اجتماع می‌باشد. امام خمینی (ره) - اسلام‌شناس خبره - حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر از بزرگ‌ترین حقوق در میان حقوق الهی و اصلاح جامعه را وابسته به اصلاح هر دو دانسته است. اگر مردم و حکومت، حقوق یکدیگر را پاس ندارند، وحدت کلمه از بین می‌رود، نشانه‌های ستم آشکار می‌شود، نیرنگ بازی در دین فراوان می‌گردد، راه گسترده سنت پیامبر اکرم (ص) متروک، هواپرستی فراوان، احکام دین تعطیل و بیماری‌های دل فراوان می‌شود (۳).

به همین دلیل امام خمینی (ره) همه را به یاری و کمک برای احقاق حق فرا می‌خواند. با توجه به آیات قرآن کریم و سخنان ائمه اطهار (ع) در مورد حقوق فردی و اجتماعی افراد در جامعه و حکومت دینی و بررسی دیدگاه‌های علمای دین خصوصاً امام خمینی (ره) در زمینه الگوهای راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، ضرورت تبیین هرچه بیشتر و بهتر منابع اسلامی و شیعی را نمایان می‌سازد. ضروری است تا قبل از پرداختن به مبحث اصلی حقوق شهروندی و بررسی دیدگاه‌های امام خمینی (ره)، مفهوم حقوق فردی شهروندی اجماًلاً شرح داده می‌شود، سپس این مبحث از دیدگاه اسلام با رویکردی بر نظرات امام خمینی (ره)، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- مفهوم حقوق شهروندی

حقوق از نظر لغوی جمع حق است و آن اختیارات، توانایی‌ها و قابلیت‌هایی است که به موجب قانون، شرع، عرف و قرارداد برای انسان‌ها لحاظ شده است و در اصطلاح، اصول و مقرراتی است که برای تنظیم روابط بین انسان‌ها با یکدیگر و انسان‌ها با دولت وضع می‌شود. قواعد حقوق، مقرراتی است که از طرف قوای صالح دولت تضمین شده و هدف آن استقرار صلح و نظم در اجتماع است (۴). بر این اساس مفهوم شهروند عبارت است از: «کسی که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است. واژه سیتی‌زن که

حضرت علی (ع) زمانی که معاویه را به دارالبغی تبعید کرد، معاویه و پیروانش را بیگانه تلقی نمود، بلکه بر اساس ضوابط جنگ با شورشیان داخلی اهل بغی و نه بیگانگان (کفار و مشرکین) به نبرد پرداخت (۷). تعیین خودی و بیگانه بر اساس یکی از دو معیار «پیمان و اسلام» در بخش عظیمی از دارالاسلام که تحت لوای خلافت و دولت عثمانی قرار داشت، همچنان برقرار بود. تا آنجا که در حقوق عثمانی چنین آمده بود: «هر مسلمانی به محض ورود به قلمرو عثمانی شهروند محسوب شده و بر پایه برابری و مساوات از همه گونه حقوق شهروندی برخوردار می‌گردید» (۱۰). مقصود اصلی از تشریح پیمان ذمه ایجاد محیط امن و تفاهم و زندگی مشترک و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین فرقه‌های مختلف مذهبی در داخل قلمرو حکومت اسلامی است. فرد و یا جمعیتی که حاضر به امضای پیمان ذمه نباشد باید اجتماع را ترک کند و تحت حمایت کامل دولت اسلامی به سرزمین امن و پناهگاه مورد نظرش اعزام شود و تا زمانی که به جای امن نرسیده است از حمایت همه‌جانبه مسلمین برخوردار خواهد بود (۱۱). بنابراین به طور اولیه، از نگاه اسلام، تبعه یعنی مسلمان و غیر مسلمان بیگانه یا خارجی محسوب می‌شود. غیر مسلمان با اجازه رسمی «امان» یا «زنهار» یا «ذمام» می‌تواند وارد کشور اسلامی شود تا از آنجا عبور نماید و یا این‌که موقتاً اقامت نماید. تحقق امان منوط به درخواست بیگانه و قبول آن از سوی حکومت اسلامی و یا فرد مسلمان است و فرد بیگانه پس از کسب امان، «مستأمن» تلقی شده و می‌تواند وارد قلمرو اسلامی شده و از حمایت حکومت اسلامی و حقوق و آزادی‌های ویژه استفاده کند (۱۲).

۳- حقوق شخصی (فردی) و حقوق اجتماعی (عینی)

حقوق شخصی یا فردی، حقوق و اختیاری است که معمولاً به یک شخص (فرد) یا یک اجتماع داده شده تا بعضی فعالیت‌ها را انجام دهند، مثلاً حق رأی، حق تعلیم و تربیت، حق کار و شغل، حق آزادی بیان و جزء این‌ها، حقوق فردی دارای سابقه و یا پس‌زمینه دور تاریخی است. اگر بخواهیم حقوق فردی را بشناسیم، باید به فطرت و طبیعت انسان‌ها توجه کنیم. از همان زمان‌های دور تاریخی عقیده بر این بوده

است، یعنی جان و حیات انسان محترم بوده و کسی حق تعرض و تعدی به آن را ندارد تا حدی که فلسفه وجود هستی به خاطر انسان است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (۸).

شهروند در نظام اسلامی، موجودی است که دارای حق و تکلیف است، یعنی نظام اسلامی به همان اندازه از نظر دینی، سیاسی و اجتماعی تکالیفی را بر عهده انسان نهاده است. قوانین اسلامی هر دو بعد فردی و اجتماعی انسان را مورد توجه قرار داده و به نیازهای مادی آن پاسخ داده است. در سیستم قانونگذاری الهی که قوانین پیرو مصالح فردی و جمعی است، بسیاری از احکام عبادی برای پرورش و سازندگی فرد و روحیات او قانونگذاری شده است، نیز بسیاری از احکام دیگر برای اصلاح جامعه و ایجاد عدالت اجتماعی و حفظ حقوق امت اسلامی است. همواره مصلحت‌های فردی و اجتماعی در احکام فقهی مراعات شده و هرگاه این دو مصلحت در یک جا با هم اصطکاک و برخورد پیدا کنند، مصالح عمومی بر مصالح فردی ترجیح پیدا می‌کند (۹).

گرچه مفهوم امت اسلامی، قبل از هجرت رسول اکرم (ص) به مدینه، فراتر از هر گونه تعلق مرزی، نژادی، قومی و قبیله‌ای تحقق یافته بود، اما با هجرت آن حضرت به مدینه و جمع‌شدن عناصر حکومت و سرزمین و جمعیت تابع در مدینه، اولین حکومت اسلامی در این شهر به وجود آمد (۷). در مدینه‌النبی، معیار عضویت در جامعه اسلامی (شهروندی به زبان امروزی)، مسلمان‌بودن یا پیمان‌پذیربودن، بوده و بدین ترتیب امت مسلمان و امت یهود مدینه، در عین حفظ استقلال جامعه دینی خود، جامعه سیاسی واحدی را به وجود می‌آوردند و پیامبر (ص) حدیث دینی را جایگزین وحدت قومی می‌نماید و پیروان سایر ادیان الهی را به شرط پیمان به عضویت جامعه سیاسی اسلامی درمی‌آورد. با نزول آیات سوره توبه و تشریح پیمان ذمه، عضویت قراردادی در جامعه، از یهودیان مدینه فراتر رفته و سایر اهل کتاب را نیز دربر می‌گیرد و آنان نیز در پرتو پذیرش پیمان ذمه در جامعه اسلامی و نه امت مسلمان عضویت می‌یابند (۷).

مع‌ذالك مجموعه‌ای از قواعد است که ضمانت اجرایی و تضمین عملکرد آن را اعلام می‌دارد، هرچند که به طریق واحد استفاده نمی‌شود و طرق مختلفی به خود می‌گیرد، ولی مسلم است که فکر الزام در اساس حقوق شخصی هم مانند حقوق اجتماعی (عینی) وجود دارد (۱۴).

۴- مصادیق حقوق فردی شهروندی از نظر امام خمینی (ره)

در منابع اسلامی و غیر اسلامی به حقوق فردی شهروندی به طور مستقیم و غیر مستقیم پرداخته شده است. در این میان مقبولیت عام دیدگاه‌های امام خمینی (ره) در زمینه الگوهای راهبردی حقوق فردی شهروندی ما را بر آن داشت تا مصادیق حقوق فردی شهروندی را از دیدگاه ایشان مورد بررسی قرار دهیم.

۴-۱- حق آزادی و حدود امتیازات شهروندی:

آزادبودن انسان در انجام یا عدم انجام عمل، رکن اساسی حق هر انسانی است (۱۵). اگر حق آزادی به معنی رها بودن از هر تکلیفی باشد، از هر نظری مورد تأیید نیست، بلکه آزادبودن بدان معناست که انسان دارای اختیار، حق انتخاب و تصمیم‌گیری در امور را داشته باشد. گاهی حقوق آزادی فقط با نام «آزادی‌ها» یاد می‌شود. در اصطلاح حقوق اسلامی این حیطة از امکانات و استعدادها، منطقه الفراغ نام دارد (حوزه‌ای که در آن قانون منع‌کننده وجود ندارد). بر اساس این حق مردم به آسانی می‌توانند حتی در حکومتی که بر اساس دین اسلام اداره می‌شود نیز نقش ایفا کنند، چراکه منطقه مذکور شامل همه اموری است که دلایل فقهی، ممنوعیت یا التزام خاصی را در آن ارائه نکرده و مردم می‌توانند بر اساس این قاعده با تکیه بر برهان عقلی یا تجارب و ثوق‌آور در تعیین بسیاری از مسائل فردی، اجتماعی و شهروندی خویش از جمله در امور دولتی و حکومتی نقش بیافرینند (۱۴).

در امور حقوق شهروندی از جمله حقوق سیاسی شهروندان، این منطقه در برابر منطقه‌ای قرار می‌گیرد که قوانین الهی بر اساس نصوص و حیانی تصریح دارند که در آنجا طبعاً امرالله است، یعنی منطقه قوانین الهی است «ولی فقیه و رهبر جامعه اسلامی فقط توجه به حکم خدا و رأی الهی دارد و آن را به

که یک سلسله حقوقی وجود دارد که سررشته آن وابسته به فطرت و طبیعت انسان است و این حقوق، بهتر و والاتر از کلیه قواعد و مقرراتی است که بر حسب نیاز زمان و مکان وضع می‌شود. حقوق فردی با عنوان حقوق طبیعی انسان‌ها در ابتدای تاریخ پایه‌گذاری شد، سپس در قرون وسطی آب و رنگ گرفت و در قرن هفدهم و هجدهم به وسیله دانشمندان بزرگ و نام‌آوران عرصه علم و دانش و حقوق، توسعه و رشد مذهبی یافت و سرانجام در قرن بیستم به ویژه بعد از جنگ بزرگ جهانی در همه جای جهان به صورت امر بدیهی درآمد. حقوق فردی یک سلسله حقوق شناخته شده و رسمی است که قابل شمارش و احصا است. حقوقی که در مسیر تاریخی خود با اعلامیه‌های حقوق در کشورهای مختلف به طور رسمی شناسایی گردیده است که از این اعلامیه‌ها می‌توان به منشور کبیر در کشور انگلستان در تاریخ ۱۲۱۵ میلادی و اعلامیه استقلال امریکا مورخ ۱۷۷۶ میلادی و اعلامیه حقوق بشر و شهروند در فرانسه در تاریخ ۱۷۸۹ میلادی و بالاخره اعلامیه جهانی حقوق بشر در تاریخ ۱۹۴۸ میلادی اشاره کرد. هر یک از این اعلامیه‌ها حقوق فردی را عنوان کرده است و اکنون به عنوان حقوق لازم‌الرعایه در سطح جهان قرار گرفته است. در پایان این اعلامیه‌ها می‌توان به منشور حقوق بشر کوروش نیز اشاره داشت که در حدود ۲۵۰۰ سال پیش توسط کوروش کبیر پادشاه ابر قدرت ایران تهیه و تنظیم شد. این منشور نیز حاوی حقوق فردی هر شخص بود که اعلام می‌داشت هر کس از هر دین و قوم و زبانی که باشد آزاد است (۱۳).

منظور از حقوق اجتماعی (عینی)، قاعده یا مجموع قواعدی است که در مورد افراد یا اجتماعات به کار می‌رود و در قبال ضمانت اجرائی که دارد، باید مورد اطاعت مردم قرار گیرد و تا اندازه‌ای با حقوق شخصی در تضاد است، زیرا در حالی که در حقوق شخصی سخن از اختیار و آزادی فردی است، حقوق عینی یا اجتماعی اساساً تکلیف است، اما چگونه یک کلمه واحد می‌تواند، دو مفهوم متفاوت یا حتی متضاد، القا کند. حقیقت این است که حقوق شخصی، هرچند که در ظاهر الزامی به نظر نمی‌رسد و به صورت ظاهر، فرد آزاد است،

نظام‌های حقوقی قرار داد. نتیجه آنکه اگر از امتیاز در کنار حقوق سخن گفته می‌شود، مراد نوعی تفاوت و تمایز بر اساس اقتضانات اجتماعی و در گستره حقوق شهروندی است و نه حقوق بشری. در نتیجه در حوزه حقوق آزادی‌ها، انتقادات وارده بر قوانین اسلامی عموماً حول مسائلی چون ارتداد، آزادی‌های دینی، رسانه‌ها، تفکر و گفتار و در نهایت پدیده حجاب می‌باشد. مهم‌ترین توجیه در زمینه این حقوق، قاعده لاضرر است. این قاعده مهم فقهی در دلیل عقل و سیره عقلا ریشه دارد و مدارک کتاب و سنت به وفور بر آن دلالت می‌کند (۱۶).

امام خمینی (ره) به مناسبت‌های مختلف درباره حقوق فردی شهروندی و مخصوصاً آزادی انسان نظرهایی را بیان کرده که البته اغلب این اظهار نظرها در قالب انتقادهایی به داعیه‌داران حقوق بشر در آن زمان می‌باشد، حتی ایشان در جایی کسب حقوق بشر را در کنار آزادی و استقلال از آرمان‌های ملت ایران در دوران انقلاب دانسته و می‌گوید: «در این موقع بسیار حساس تاریخ ایران، شاه به وسیله کارشناسان خود دست به توطئه خطرناکی زده است که با اندکی سستی و تغافل، ملت ایران باید از به دست آوردن آزادی و استقلال و حقوق بشر مأیوس شود...» و در ادامه نیز حقوق اولیه بشر را چنین معرفی می‌کنند: «حق اولیه بشر است که من می‌خواهم آزاد باشم، من می‌خواهم حرفم آزاد باشد، من می‌خواهم مستقل باشم، من می‌خواهم خودم باشم و حرف ما این است...» (۱۷).

۲-۴- آزادی ادیان و مذاهب: در مسأله آزادی ادیان و

مذاهب در نگاه اسلامی و نوع تعامل آن با آزادی‌های عمومی و حقوق انسانی به ویژه با عنایت به پدیده ارتداد، باید توجه داشت که از یکسو اسلام بر این نکته پای می‌فشارد که تدین، حق همه انسان‌هاست. این حق هیچ منافاتی با آزادی عقیده نداشته، بلکه مؤید آن است، چنانکه در قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۵۶ تصریح شده که آزادی در انتخاب دین و دین‌ورزی حق مسلم افراد است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (۱۸)، (در دین اجبار وجود ندارد، چرا که راه از بیراهه روشن شده است). بنابراین مسأله ایمان قطع نظر از این‌که از حقوق انسانی است یا نه، فی نفسه زوربردار نیست. اسلام معتقد است

اجرا درمی‌آورد، نه می‌تواند با رأی خود احکام دینی را با تبدیل یا تغییر دهد و نه با نظر مردم، این منطقه راجع به اصل تحقق و ثبات قوانین الهی است و خود فقیه نیز نمی‌تواند آن را کم و زیاد کند»، چنانکه خداوند متعال در آیه ۴۴ تا ۴۶ سوره الحاقه می‌فرماید که ائمه اطهار (ع) نیز چنین حقی نداشتند «ولو تقول علينا بعض الاقوال لاخذنا منه باليمين ثم لقطعنا منه الوتين؛ و اگر او سخن دروغ بر ما می‌بست، ما او را با قدرت می‌گرفتیم، سپس رگ قلبش را قطع می‌کردیم» و نیز در آیه ۱۲۸ سوره آل عمران می‌فرماید: «ليس لك من الامر شيء؛ تو هیچ چیزی از امری نداری» در نتیجه مراد از آزادی به صورت کلی به این معنی است که هیچ کس نباید مانع بروز استعدادهای بشر شود یا به این معنی است که اموری وجود دارد که با جبر نمی‌توان آن‌ها را به بشر تحمیل کرد و یا این‌که بشر موجودی است که باید بالاختیار و در صحنه تنازع و کشمکش به کمال خود برسد (۱۴).

در اسلام مقصود از آزادی موارد فوق همگی مندرج و مقبول است، لذا با این تعاریف، آزادی حقی است برای بشر که البته از مختصات انسانی هم هست. با این معیار آنگاه که آزادی در میان شهروندان و وضع حقوقی تعریف می‌گردد، از سوی دیگر اصل آزادی خود یک «تکلیف» نیز هست. بر این اساس آزادی به دو قسم فردی (حقوق بشری) و اجتماعی (حقوق شهروندی) تقسیم می‌شود: آنجا که انسان مکلف است خود را برده و بنده قرار ندهد، آزادی جنبه درونی و فردی دارد و آنجا که دیگران از جمله دولت، مکلفند نسبت به او و مسیر او قید و بندی ایجاد نکنند، آزادی جنبه بیرونی و عمومی دارد، ریشه احترام به این آزادی نیز همان حیثیت ذاتی انسان است. در مرحله حقوق بشری، چون در مکتب اسلام برای یک مسلمان (و شهروند جامعه اسلامی در حوزه عمومی) اعمال شخصی و نیز کارهای عمومی و ملی نباید مابین با موازین دینی باشد، یعنی مخالفت ضرر دارد نه آنکه موافقت شرط باشد. در عین حال باید افزود که شاید نظام حقوقی هم وجود داشته باشد که جز موارد مندرج و مجاز در قانون، سایر امور و اعمال افراد ممنوع باشد، اما مسلماً حقوق اسلامی را به ویژه در حوزه حقوق شهروندی که نمی‌توان در این جرگه سلک از

شود. با این توضیح مسأله ارتداد در جامعه اگر مقوله‌ای فردی و شخصی باشد، قابل احراز و حتی پیگیری نیست، مگر آنکه حدوث و ظهور بیرونی در عرصه عمومی داشت باشد (۱۹).

امام خمینی (ره) در مورد آزادی مذهب و چگونگی حقوق اقلیت‌ها در جمهوری اسلامی، عموماً بر حق همه آن‌ها به عنوان شهروند ایرانی که طبعاً در چارچوب قوانین معین می‌آید، تأکید کرده است. فقط مواردی مانند توطئه و مضر به حال مملکت بودن را استثنا نموده است. ایشان همچنین درباره اهل سنت و کسانی که اصولاً تحت نام مسلمان می‌آیند، در مواردی بر تساوی حقوقی آن‌ها با شیعه تأکید نمود و در پیامی به مردم کردستان چنین نوشت: «در جمهوری اسلامی همه برادران سنی و شیعه در کنار هم و با هم برادر و در حقوق مساوی هستند و هر کس خلاف این را تبلیغ کرد دشمن اسلام و ایران است» (۱۷). بنابراین از دیدگاه امام خمینی (ره) در نظام اسلامی، حقوق مسلمانان غیر شیعه و حقوق غیر مسلمانان در چارچوب احکام و قوانین حکومت اسلامی محفوظ است. همچنین وقتی در قوانین جاری حکومت اسلامی به عنوان یک دولت - کشور سخن از حقوق مردم می‌رود، به طور کلی تفاوتی بین مسلمان و غیر مسلمان به عنوان اعضای پذیرفته‌شده این گروه انسانی وجود ندارد. هر کجا در قوانین بر اساس مصالح و مبانی اسلامی بین آن‌ها تفاوتی باشد، تصریح می‌شود (۱۷).

۳-۴- آزادی بیان و رسانه‌ها: بی‌تردید قانون ابزاری

است که جلوی آزادی‌ها را می‌گیرد. قانون جایی مطرح می‌شود که مردم باید از خواسته‌های شخصی خود صرف نظر کنند. قانون صریحاً یا تلویحاً متضمن «باید» و «نباید» است و این یعنی تحدید آزادی، لذا قانونی که بگوید هیچ آزادی را نباید محدود کرد، متضمن تناقض است. وظیفه تعیین آزادی مشروع بر عهده قانون است. در این راستا برخی به «آزادی عادلانه» معتقدند، یعنی تنها عدالت است که شایستگی و توانایی محدود کردن آزادی را دارد، البته آن عدالتی مراد است که خود مبتنی بر حقوق طبیعی بوده و به عبارت روشن‌تر، عدالت طبیعی باشد، نه عدالت وضعی که در آن صورت چیزی بیش از خود قانون نخواهد بود، لذا ترکیب ارزشمند و مطلوب

همه انسان‌ها آزاد آفریده شده‌اند و باید آزاد زندگی کنند تا مسؤولیت و تکلف در مورد آن‌ها معنی داشته باشد و هدف از خلقت انسان و آزادی، رسیدن انسان به کمال خویش است (۱۹)، پس محال است موجودی اعم از انسان یا غیر انسان در هیچ مداری خود را مقید نکند و هیچ حدودی را نپذیرد و بتواند مسیر تکاملی خود را طی کند. با این وجود صرف آزادی برای انسان کمال غایی محسوب نمی‌شود و در حقیقت وسیله‌ای برای کمال تلقی می‌گردد و این بخش از رویکرد اسلام مطابق اسناد و اعلامیه‌های حقوق بشری معاصر است. مطابق این اسناد، آزادی مذهبی افراد، مشتمل بر دو بعد است: «نخست آزادی داشتن و یا پذیرفتن یک مذهب و دوم آزادی ابراز مذهب.» مطابق این تقسیم‌بندی، رکن اول آزادی مذهب این است که فرد حق دارد که مذهب یا باوری داشته باشد، عقیده یا مذهبی را برگزیند و آن را تغییر دهد. این حق به صورت نامشروط مورد حمایت واقع شده است (۱۹). از سوی دیگر اسلام تصریح می‌دارد که اسلام تنها دین حق است و غیر از آن جز گمراهی و ضلالت نیست، زیرا «مَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ؛ بعد از حق چه چیزی غیر از گمراهی وجود دارد.» به همین دلیل است که جز اسلام هیچ قانونی از هیچ کس پذیرفته نمی‌شود «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» (۲۰).

در منطق انتخاب شخصی افراد هیچ شکی از نظر اسلام وجود ندارد که این برتری ذاتی اسلام قابل خدشه نباشد و طبعاً در یک رویکرد درون دینی و اعتقادی دینی فرد مسلمان با فرد غیر مسلمان برابر نیست، ولی این به معنی تفاوت در انسانیت و حقوق هیچ یک نخواهد بود، بلکه ناظر به بعد تقوا در افراد است که آیه قرآن نیز ملاک برتری را تقوا قرار داده، اما در قرابت به حضرت حق و تعامل مؤمنان با یکدیگر و نه در مسأله حقوق انسانی. حال اگر دولت اسلامی تشکیل گردد و معیار خویش را در ارائه خدمات انسانی میزان تقوا یا صرف مسلمانی افراد قرار دهد، این رویکرد از منظر دینی هم ناصواب خواهد بود، اما دولت اسلامی این اختیار را دارد تا بر اساس اصل «وفاداری» که بنیان هر حاکمیتی بر آن استوار می‌گردد، در برخی حوزه‌هایی که ما از آنان به حقوق شهروندی تعبیر می‌کنیم، تمایزاتی در اعطای امتیازات و نه حقوق انسانی قائل

همان تلفیق «آزادی عادلانه» است که تفسیر آن در پرتو شریعت روشن شود (۲۱).

یکی از علانم توسعه فرهنگی جامعه، میزان تمایل مردم آن جامعه به مطبوعات، کتاب و کتابخوانی است، چراکه حق انسان‌ها در بهره‌گیری از استعدادهای طبیعی چون فکرکردن، خواندن و نوشتن بر اساس حقوق بشری سلب‌ناشدنی است و هیچ دولتی نمی‌تواند آشکارا مدعی خلع و سلب آنان از شهروندان باشد، اما به قطع باید افزود که دولت‌ها می‌توانند در راستای اخلاق عمومی، مصالح عمومی، بهداشت عمومی و آزادی‌های عمومی به تعلیق این آزادی‌های ناظر به حیطة مباحات پردازند. دولت‌ها طبعاً تنها اموری را محدود می‌سازند که به صورت مجاز در چارچوب آزادی بیان و بنان، بی‌طرفانه و بدون غرض‌های اخلاص‌گرا عمل می‌کنند، اما اموری در سلک موارد اخیر که اقدامات غیر اخلاقی و مصادیقی از سوء استفاده از آزادی تلقی می‌گردند، طبعاً بدون منع دولتی هم ممنوعند، لذا هر وجدان بیدار انسانی بر اساس حقوق و تکالیف انسانی و نه لزوماً شهروندی باید به افشاگری بدطینتی و منع غرض‌ورزی علیه سایر هم‌نوعان خود پردازد (۲۱).

همواره یکی از بحث‌های اساسی، نقش و نیت نگارنده کتاب یا گزارشگر روزنامه در بیان واقعیت، بی‌طرف و خالی از غرایض فردی و عاری از عرایض شخصی است. در نگاهی بدبینانه و یا واقع‌بینانه، اعتقاد بر این است که حوادث و وقایعی که اساساً یک ژورنالیست و روزنامه‌نگار مکلف به ارائه آن است، از واقعیت‌های علمی و طبیعی اطراف او جدا نیستند. از آنجا که یک روزنامه‌نگار هم مثل همه مردمی که از آن‌ها گزارش می‌دهد، یک انسان است نه یک فرد معصوم، پس در گزارش خود هم طبیعتاً بی‌طرف نخواهد بود. برای همین می‌توان مدعی شد که یک روزنامه‌نگار فرزند زمانه خود است، آن هم فرزندی که همیشه نیز به روز است. موضوع مطالعه او انسان‌های دیگر است، پدیده‌هایی که او عملاً توانایی تحلیل بی‌طرفانه آن‌ها را نخواهد داشت. نمی‌تواند گزارش دهد و تحلیل نداشته باشد و تحلیل او گزارش را تحت تأثیر خود قرار ندهد، لذا خود زمان مانعی برای رعایت بی‌طرفی نویسنده اعم از روزنامه‌نگار یا خبرنگار است، چون یک روزنامه‌نگار دائم اسیر

زمان و حوادثی است که در درون آن اتفاق می‌افتد؛ موجی از حوادث سیال که به او امکان بازگشت و یا حرکت خلاف جریان را نمی‌دهد. او زندانی نگاه و مورد مشاهده خود است. باید دقیق بنگرد و سریع بنویسد، اصلاح کند و خبر را منعکس سازد. فن، تکنولوژی و مدرنیته هم کمکی به بی‌طرفی او نمی‌کنند. روزنامه‌نگار نمی‌تواند از خود چیزی نیفزاید و به خبری خشک اکتفا کند. امروزه تمام هنر او در همان چاشنی‌هایی خلاصه می‌شود که به گزارش خود می‌افزاید، لذا باید اضافه کرد که زبان هم از عوامل سد این بی‌طرفی علمی خواهد بود (۲۱).
امام خمینی (ره) نیز معتقد به آزادی بیان و مطبوعات بودند و در یک سخنرانی که در تاریخ ۱۳۵۸/۶/۲ ثبت شده چنین فرموده‌اند: «... ما تاکنون برای این‌که به مردم عالم بفهمانیم و بفهمند مردم که ما با چه اشتیاقی مقابله داریم، ما آزادی دادیم به آن‌ها؛ آزادی مطلق که در ظرف این چند ماه قریب دویست حزب و گروه و مطبوعات زیاد و مجلات و روزنامه‌ها منتشر شد و هیچ کس جلوگیری نکرد. در عین حالی که به همه مقدسات ما توهین کردید، در عین حالی که با حکومت آن طور رفتار کردید و با اسلام آن طور رفتار کردید در مطبوعاتتان؛ معذک به شما تعرض نشد...» (۱۷).

۵- امور قضائی

۵-۱- **طلاق قضائی و عسر و حرج:** از پیشگامان معتقد به طلاق قضائی، می‌توان از فقیهانی چون شیخ مفید، ابی‌علی حمزه بن عبدالعزیز دیلمی معروف به سلار، ابی‌الصلاح حلبی و از متأخران میرزای قمی و از معاصران نیز شیخ حسین حلی، آیت‌ا... خوبی و امام خمینی (ره) را نام برد. در بررسی نظرات این فقیهان شاید بتوان گفت کامل‌ترین و گسترده‌ترین تحقیق در این باره، گفتارهای شیخ حسین حلی با عنوان حقوق الزوجیه و آثارها الوضعی است که بحرالعلوم در بحوث فقهیه (۱۳۹۳ ق.) این گفتارها را نگاشته است.

تخلف شوهر از ادای وظایف زوجیت (اعم از انفاق، هم‌خوابگی و حسن معاشرت) چه ناشی از تقصیر شوهر و چه بدون تقصیر باشد، در صورتی که زندگی زناشویی و بقای نکاح را دشوار کند، به زن حق می‌دهد که برای طلاق به حاکم شرع رجوع کند و حاکم شرع شوهر را مجبور به طلاق خواهد کرد و

در مورد علت این امر می‌توان گفت قوانین مربوط به زنان (که در حال حاضر اجرا می‌شود) صد در صد مطابق با اسلام و حکومت اسلامی و هم‌آهنگ با پیشرفت جوامع امروزی نیست. امروزه باید موضوع‌های تحول‌یافته را بر اساس ویژه‌گی‌های درونی و بیرونی در طول زمان پاسخ گفت و با ثابت نگاه‌داشتن اساس و بنیان محتوا، صورت قوانین را با تغییر موضوع دگرگون ساخت. برای نمونه، قانون مدنی امروز ما مطابق با جامعه سنتی گذشته است، در حالی که باید مطابق با پیشرفت‌ها و ارتباطات حاکم بر جامعه امروزی باشد. امام خمینی (ره) دیدگاه خود را بی‌پرده در برابر متحجران و جاهلان متنسک بیان نکرده است، زیرا نیک می‌دانسته است که این مسائل با خواسته‌ها، گرایش‌ها، هوا و هوس‌های آنان منافات دارد و از این رو جلوی اجرای آن‌را می‌گیرند (۱۷).

۲-۵- تعزیرات: از جمله مسائل مورد بحث در جامعه کنونی ما و به طور کلی مسأله مورد اختلاف در حقوق جزای اسلام با حقوق غرب، مسأله اجرای حدود و تعزیرات در ملأ عام است. برخی برآنند که اجرای حدود در انظار عمومی، روان اجتماع را نژند و پریشان می‌کند، این در حالی است که برخی دیگر معتقدند آشکارا مجازات‌کردن، بهترین راه جلوگیری از فساد و اشاعه جرم است. از آنجا که یکی از اهداف مهم مجازات‌ها بازدارندگی عمومی است و بنا به قولی باید طوری انتخاب گردد که موجب عدم سرایت بدی به دیگران شود و این بازدارندگی آنگاه دست‌یافتنی‌تر خواهد بود که مردم خود شاهد تحمل عذاب و مجازات شخص مجرم باشند، پس بنا بر اصول اولیه هیچ اشکالی ندارد که اجرای چنین مجازات‌هایی علنی باشد تا بدین وسیله مردم عبرت‌گرفته به خود اجازه ارتکاب چنین افعالی را ندهند. در مورد اجرای حد زنا که با تازیانه صورت می‌گیرد، شارع مقدس پس از آن که حکم تازیانه زن و مرد زناکار را مطرح می‌کند، می‌فرماید: «و ليشهد عذابهما طائفة من المؤمنین» (۲۴).

این مجوز اجرای علنی این حکم است و بیشتر فقیهان و مفسران قرآن دستور فوق را از مورد تازیانه تعمیم داده و شامل موارد دیگر اجرای مجازات زنا و غیر آن کرده‌اند. بعضی از مفسران در توضیح آیه فوق گفته‌اند: «در اینجا دستور

اگر شوهر از آن خودداری کند، حاکم به عنوان ولی ممتنع، زن را طلاق خواهد داد. علامه حلی می‌گوید: حاکم در جایی که مرد نه به وظایف زناشویی عمل می‌کند و نه طلاق می‌دهد، باید زوج را فراخواند و نخست او را به طلاق مکلف کند و اگر مرد از طلاق خودداری کرد، خود مبادرت به طلاق کند (۲۲) و به درخواست زن، به ولایت (نماینده‌گی قانونی) از شوهر، زن را طلاق دهد تا زن با انتخاب شوهری دیگر خوشبختی خود را بازیابد و راه سومی وجود ندارد. آیت... خوبی نیز مسأله‌ای را آورده است که هرچند در بخشی از آن بر موضوع ترک انفاق تأکید شده، ولی از آن چنین برمی‌آید که اگر زوج در غیر مورد نفقه نیز از ایفای وظایف زوجیت خودداری ورزد و الزام دادگاه نیز سودی نبخشد، حاکم می‌تواند زوجه را طلاق دهد (۲۳).

در گفتارهای امام خمینی (ره) نیز برای رهایی زن از وضعیت نامطلوب، طلاق ولایی تصریح شده است: «از شئون فقیه است که اگر چنانچه یک مردی با زن‌اش رفتارش بد باشد، او را اولاً نصیحت کند؛ ثانیاً تأدیب کند و اگر دید نمی‌شود، اجرای طلاق کند» (۱۷). در سال ۱۳۶۱، شورای نگهبان قانون اساسی، ضمن اظهار نظر درباره مواردی از قانون مدنی، از امام خمینی (ره) درباره امکان الزام شوهر به طلاق از سوی حاکم در موارد عسرو حرج استفتا کرد و ایشان در پاسخ فرمودند: «طریق احتیاط آن است که زوج را با نصیحت و الا با الزام وادار به طلاق نمایند و در صورت میسر نشدن، به اذن حاکم شرع طلاق داده شود و اگر جرأت بود، مطلبی دیگر بود که آسان‌تر است» (۱۷). از سخنان امام خمینی (ره) چنین برداشت می‌شود:

۱- هرگاه شوهر حقوق واجبه زن را ادا نکند و اجبار او به ایفا ممکن نباشد، حاکم شوهر را اجبار به طلاق می‌کند و در صورت خودداری شوهر از طلاق، حاکم زن را طلاق می‌دهد و این طلاق شرعاً صحیح است؛

۲- این راهی احتیاط‌آمیز است و راهی دیگر نیز می‌تواند برای حل مشکل باشد، هرچند که با احتیاط همراه نباشد؛

۳- در پاسخ به «راهی آسان‌تر» اشاره شده، ولی به دلیل نبودن جرأت بازگو نشده است، راه آسان‌تر کدام است و چرا گفته نشده است؟

وظیفه‌شناس باید طبق دستورات الهی عمل کند و حق دیگران را مراعات نماید. نخستین حق انسان شناخت جایگاه حقیقی خویش و وظایف خود به عنوان اشرف مخلوقات است، چراکه انسان به عنوان «خلیفه‌الله» با داشتن حقوق و آزادی‌های اجتماعی، مسؤول و مکلف به شناختن حقوق حقه خود و دیگران و آموزش و روش‌های مؤثر در شناساندن حقوق شهروندی هر فرد مسلمان است. بر این اساس امر به معروف و نهی از منکر مهم‌ترین مسأله اسلام است که با ترویج آن همه شهروندان از حق و حقوق خود بهره‌مند می‌شوند.

همچنین ارتقای سطح آگاهی مردم و مزوج شدن حقوق فردی شهروندی با اخلاق و تقوا، مهم‌ترین جنبه‌های روابط انسانی در جامعه اسلامی است. بنابراین می‌توان برای بالابردن آگاهی مردم از حقوق شهروندی خود بر اساس مبانی اسلامی، در ساخت برنامه‌های رسانه و ایجاد محافلی در راستای ارتقای اندیشه شهروندان، همه شهروندان از حقوق اسلامی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برخوردار باشند و در تمام شؤون جامعه و حکومت مشارکت نمایند.

با عنایت به این که امام خمینی (ره) حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر از بزرگ‌ترین حقوق در میان حقوق الهی و اصلاح جامعه را وابسته به اصلاح هر دو دانسته، حق در جامعه‌ای عزت می‌یابد که رهبر و مردم، هر دو به وظایف خویش عمل نمایند و حقوق طرف مقابل را پاس دارند و راه‌های دین‌پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر (ص) پایدار می‌گردد. در این صورت مردم بر تداوم حکومت امیدوار می‌شوند و دشمن از آرزویش مأیوس می‌گردد. در غیر این صورت، وحدت کلمه از بین می‌رود، نشانه‌های ستم آشکار می‌شود، نیرنگ بازی در دین فراوان می‌گردد، راه گسترده سنت پیامبر اکرم (ص) متروک، هواپرستی فراوان، احکام دین تعطیل و بیماری‌های دل فراوان می‌شود. به همین دلیل امام خمینی (ره) همه را به یاری و کمک برای احقاق حق فرا می‌خواند.

حضور جمعی از مؤمنان در صحنه مجازات داده شده، چراکه تنها هدف این نیست که گناهکار عبرت گیرد، بلکه هدف آن است که مجازات او سبب عبرت دیگران هم بشود و به تعبیر دیگر با توجه به بافت زندگی اجتماعی بشر، آلودگی اخلاقی در یک فرد ثابت نمی‌ماند و به جامعه سرایت می‌کند.

برای پاکسازی باید همان‌گونه که گناه برملا شده مجازات نیز برملا گردد. در مورد اجرای حکم قتل یا صلب محارب نیز روایات نشان می‌دهد که اجرای مجازات‌های مزبور علنی بوده است. در مورد مجازات شخص مرتد نیز روایات مختلفی علنی بودن اجرای آن را در زمان حضرت علی (ع) و غیر ایشان اثبات می‌کند. به علاوه روایات متعددی موجود است که دلالت بر علنی بودن اجرای مطلق مجازات‌ها به صورت غیر علنی بوده باشد.

از موارد بالا این‌گونه برداشت می‌شود که اجرای مجازات‌ها در حضور مردم و به صورت علنی مورد منع واقع نشده و می‌توان محکوم به یکی از حدود را به طور علنی مجازات نمود. گفته‌ها و نوشته‌های فراوان امام خمینی (ره) در اجرای دقیق احکام و مقررات اسلامی و لزوم پیگیری و تعقیب هر کسی از قضات، کارگزاران و مأموران که از آن تخطی کند، خود دلیل روشنی است بر توجه به حقوق مجرمان از دیدگاه ایشان در ضمن فرمانی درباره حقوق مجرمان و اجرای تعزیرات می‌فرماید: «لازم به تذکر است که در حق مجرمان و منحرفان از خدا بی‌خبر هم نباید از معیارهای اسلامی و حدود و تعزیرات مقرر تجاوز گردد که آن خود نیز از نظر عدالت اسلامی جرمی است که موجب کیفر است» (۱۷).

نتیجه‌گیری

از دیدگاه اسلام بین تمام ذرات جهان هستی ارتباطی وجود دارد که خداوند متعال به خاطر هدفی آن را آفریده و قوانینی را هم وضع نموده است. در قرآن کریم هم به قوانین حاکم بر موجودات و روابط فی‌مابین آن‌ها تأکید شده و انسان مکلف به اطاعت از آن قوانین است. از آنجا که اسلام دینی کامل است و برای تمام امور زندگی انسان‌ها و نیازهای اساسی آن‌ها برنامه دارد، هر انسان به عنوان شهروندی مسلمان و

References

1. Institute for the Setting up and Publication of Imam Khomeini Works, Proceedings of the Conference on Islamic Revolution - Leadership Ideology and Process of Islamic Revolution: Second Impression. Tehran: Inauguration Institute; 2002. Vol.2 p.481.
2. Roshan M, Beyranvand R, Yarahmadi H. Citizenship Rights and Its Place in Police Relations. *Journal of Vision and Islamic Education* 2014; 10(30): 111-138.
3. Qadhipur S. An introduction to citizenship rights. Tehran: Mehr; 2015.
4. Katouzian N. Philosophy of Law. Tehran: Sahami Enteshar Press; 2015. Vol.3 p.442.
5. Sangari KO. Social security rights. Tehran: Mizan Press; 2005. p.44.
6. Jafari Langroudi M. Expanded Terminology of Law. Tehran: Ketabkhane Danesh Publications; 2002. p.1370.
7. Kazemi SA. Obstacles and challenges of the codification of the bill of protection of citizenship rights in Iran. *Legal Journal of the Judiciary* 2007; 7(58): 121-122.
8. Holy Quran. Al-Baqara: 29.
9. Feyz A. Principles of jurisprudence. Tehran: University Press; 2002. p.137.
10. Khalilian SK. Islamic international law. Tehran: Islamic Culture Press; 1983. p.64.
11. Amid Zanjani AA. Minority rights. Tehran: Islamic Culture Press; 1988. p.57.
12. Ziaei Bigdeli MR. Islam and international law. Tehran: Sahami Enteshar Press; 1989. p.94.
13. <http://www.vekalatonline.ir/articles/9491>.
14. <http://vista.ir/content/60458/%D8%AD%D9%82>.
15. Emami SH. Civil Rights. Qom: Eslamiye; 1996. Vol.1 p.44.
16. Bojnurdi MH. Al-Qawaed al-Fiqhyah. Qom: Esmaeilian; 2001. Vol.1 p.270.
17. Khomeini R. Book of Light. Tehran: Imam Khomeini Foundation; 2009. Vol.20.
18. There is no compulsion in religion because the path and astray are clarified. Al-Baqara: 256.
19. Sarrami S. Judgments of the apostate in Islam and human rights. Tehran: Strategic Studies Center; 1997.
20. Holy Quran. Al-e Emran: 85.
21. Ahmadi SMS, Naseri A, Qasemabadi M. Comparative study of limitations of freedom of speech in TV based on the documents of international human rights and Iranian statutes. *Public Law Journal* 2016; 18(52): 25-50.
22. Motahari M. Twenty Lectures. Qom: Islamic Press Affiliated to the Hawzh; 1981.
23. Khoei Seyed Abu al-Qasem. Mabani al-Takmilah al-Minhaj. Qom: Khoei Foundation; 1992.
24. Holy Quran. Al-Noor: 2.